



خلاصه گزارشی از اکرم موسوی  
وبسایت «شبکه بین‌المللی همبستگی با مبارزات زنان ایران»

## سمینار تشکل‌های زنان در برلین با عنوان «تاها را با هم می‌تنیم»

شادی امین: بررسی کمپین از چند جنبه مهم است. استراتژی کمپین، تاکتیک‌های آن و سبک کار آنها. تا جایی که به استراتژی و تاکتیک‌های کمپین برمی‌گردد، من به عنوان فعال جنبش زنان در تبعید نمی‌توانم خود را در آن محدوده تعریف کنم. این بیانیه به نظر من خواسته‌های زنان را در چهارچوب شرع و سیستم حاکم طلب می‌کند. این امری نیست که صرفاً به خاطر شرایط سرکوب در ایران توجیه پذیر باشد، بلکه منتج از نگاه این دوستان به روند تغییر و ابعاد تغییراتی است که آنها خواهان آن هستند. بسیاری از امضا کنندگان اولیه و اصلی بیانیه کمپین از امضا کنندگان "طرح رفراندوم" سازگارا هستند. این نوعی نگاه است که با جمع آوری امضا قصد دارد یا فکر میکند میتواند تغییری جدی ایجاد کند. ... بحث بر سر این است که ما زنان تبعیدی با زبان مستقل خودمان حرف‌هایمان را بزنیم. ولی نقد و یا رد این بیانیه و یا بیانیه‌های دیگر به این معنی نیست که ما از آزادی فعالیت و حق تشکل این دوستان دفاع نمی‌کنیم. این امری است که جنبش زنان در خارج از کشور همیشه انجام داده و انجام خواهد داد. ... خواسته‌هایی که در بیانیه کمپین آمده برای اولین بار نیست که مطرح میشوند. علاوه بر زنان فعال که در سال‌های ۵۷ تا ۶۰ در اعتراض به قوانین مصوبه مثل قصاص و... پرداختند، کلیه نکات مطروحه در این بیانیه در اولین شماره‌های نشریه زنان مفصلاً از طرف محسن سعید زاده و مهر انگیز کار به بحث گذاشته شده است و تغییر در این قوانین در چهارچوب شرع را خواستار شده‌اند. پس کمپین در سطح مطالبات خود از "فمینیست‌های اسلامی" پیشی نگرفته است. ... رابطه این کمپین با زنان جبهه مشارکت که تماماً از دولت/ زنان دولت خاتمی بوده‌اند و تلاششان برای جلب فقها و غیره نیز نشان از نگاه رو به بالای اینان دارد، امری که با شکل فعالیت آنان در تناقض است.

روز شنبه ۱۹ ژانویه جلسه با یادی از "شیوا بنی‌فاطمی" نقاش و هنرمندی که در اکتبر سال ۲۰۰۷ از میان ما رفت آغاز به کار کرد. سخنرانان این روز "سرور صاحبی" و "اقدس شعبانی" بودند که در باره «نقد و بررسی جنبش زنان ایرانی در داخل و خارج و تأثیر متقابل آنان بر یکدیگر» صحبت کردند. < صفحه ۱۹

سمینار سالانه‌ی تشکل‌های زنان ایرانی در آلمان، در روزهای ۱۸ تا ۲۰ ژانویه سال ۲۰۰۸ در شهر برلین با حضور تقریباً صدوبیست نفر از زنان ایرانی شرکت‌کننده آغاز به کار کرد. موضوع سمینار "کجا ایستاده ایم، چه می‌خواهیم، جنبش زنان ایرانی: افق‌ها، چشم‌اندازها" بود. اولین بحث سمینار، بررسی و نقد «کمپین یک میلیون امضا» بود که با شرکت مهناز متین، عفت ماهباز و شادی امین برگزار شد. سخنران دیگری که قرار بود در این میزگرد حضور داشته باشد ناهید نصرت بود که نتوانسته بود در جلسه شرکت کند. خلاصه شده‌ای از متن نظرات او چنین است:



ناهید نصرت: کمپین یک میلیون امضاء جنبشی است برابری‌طلب که میکوشد در زیر رژیم توتالیترحاکم بر ایران حرکتی اجتماعی برای بهبود وضعیت زنان در ایران ایجاد کند و راه بسوی آزادی بگشاید. مهمترین مشخصه مثبت این جنبش این است که در شرایطی که نوعی فاشیسم مذهبی حاکم است، به میثاق‌های بین‌المللی روی می‌آورد و به خودی خود «نه» به حکومت مذهبی می‌گوید. کمپین می‌کوشد که با ارزشگذاری به میثاق‌های جهانی حقوق بشر بجای قوانین اسلامی، در میان توده زنان، با یکی از اساسی‌ترین ارزش‌های رژیم، مبارزه کند. ولی کمپین زمانی خواهد توانست نیرویی واقعی را در راستای اهدافش سازمان دهد که به این «نه» وفادار بماند و آنرا مخدوش نکند. یک جنبش هر چند خوب است که به خواست لایه‌های عقب خود توجه کند، اما هرگز با قدم‌های آنان به پیش برده نمیشود. توده‌گرایی جنبش زنان در ایران، اگر با حفظ پرنسیپ‌ها نباشد، میتواند آن را از خواست‌های اولیه خود دور کند. دوستان کمپین خوب است همیشه بخاطر داشته باشند که میخواهند حق زن برای تعیین سرنوشت خویش را بجای «فتوهای زمینی و آسمانی» بگذارند.

صفحه ۱۷ <

موقعی که من، آمادگی برقراری یک رابطه عشقی را داشتم و می‌توانستم این گونه رابطه‌ای را برقرار کنم، تمایل به داشتن رابطه جنسی پیدا می‌کردم، در غیر این صورت تمایلی برای برقرار ساختن چنین رابطه‌ای در من وجود نمی‌آمد.

آلیس: شما در پیری، اغلب اوقات از پیر شدن تن و بدن صحبت می‌کنید، شما از خودتان منتفردید؟

سیمون: می‌دانید، من هیچگاه نارسیست (کسی که خودش را بیش از حد دوست دارد) نبوده‌ام، من چیز خاصی در تن خود ندیده‌ام که در سنین پیری از خاصیت آن کاسته شده باشد.

آلیس: براساس معیارهای مردانه، شما همیشه یک زن زیبا بوده‌اید، برای شما مهم و پر اهمیت است که پوستتان چروک برداشته است؟

سیمون: من هیچگاه روی زیباییم تکیه نکرده‌ام و این امر همیشه برای من فاقد اهمیت بوده است. زمانی که من سی تا چهل ساله بوده‌ام، اتفاق می‌افتاد که خودم را در آئینه نظاره کرده و متناسب به نظر می‌رسیده‌ام. اما هیچگاه مانند بسیاری از زنانی که می‌شناسم، این مسئله برایم اهمیتی نداشته، به زیباییم تکیه نکرده‌ام و وجود چروک‌های پوستم هم هرگز برایم آزار دهنده نبوده‌اند. مهمترین مسئله برای من، اندیشه و تفکر بوده است و بقیه مسائل در درجه دوم و تحت الشعاع این مسئله قرار داشته‌اند.

آلیس: شما در پیری، تضاد بین عوامل را که افراد مسن را در شرایط ویژه قرار می‌دهند، تنها در شرایط اجتماعی‌ای که آنان در آن بسر می‌برند ندیده و بیشتر آن را در ساختار بیولوژیک بدن و احساس افراد می‌بینید. شما معتقدید که انسان می‌تواند جسمی پیر ولی احساسی جوان داشته باشد. سیمون: سارتر پیری را غیر واقعی می‌نامید. غیر واقعی بودن، امری است که برای دیگران وجود دارد. در صورتی که برای دیگری می‌تواند این طوری نباشد. وقتی که می‌خواهم، زمانی که بیدار می‌شوم و یا حرکت می‌کنم و یا مطالعه می‌کنم. هرگز به این فکر نمی‌کنم که پیر شده‌ام. احساس من به وضعیت پیری‌ام ربطی ندارد. قطعاً، در سنین ۵۲ - ۵۳ و یا ۵۴ سالگی‌ام فکر می‌کردم که درحال پیر شدن هستم، اما امروز مطمئناً این احساس به قسمتی از وجودم بدل گشته است. اما من تصویری از پیری‌ام ندارم. بدترین چیز در پیری این است که آدم احساس جوانان را داشته باشد. □